

بررسی نقش و تأثیر امر به معروف و نهی از منکر در تقویت سرمایه اجتماعی

سیما جوینی پور*

سهیلا پیروزفر**

محمدحسن رستمی***

چکیده

فریضة الهی امر به معروف و نهی از منکر، به عنوان یک کنش دینی-اجتماعی و همچنین به عنوان نوعی احساس مسئولیت پذیری در پیوندهای گروهی، نقش مهمی را ایفا می نماید. تحقق سلامت و سعادت و رشد هر جامعه‌ای، منوط به توجه و اهتمام به نظارت همگانی از سوی اعضای جامعه می باشد.

پژوهش پیش رو، به بررسی نقش و جایگاه امر به معروف و نهی از منکر، در تقویت و توسعه سرمایه اجتماعی پرداخته و با مبنا قرار دادن سه اصل مهم قرآنی: اخوت دینی، ولایت مداری و وحدت و با تأکید بر مؤلفه اعتماد در بعد ارتباطی سرمایه اجتماعی با محوریت ایمان، به ارائه مدلی برای بهره گیری از آموزه‌های نورانی قرآن کریم در تولید و تقویت سرمایه اجتماعی اهتمام ورزیده است.

فرضیه مقاله پیش رو این است که فرمان‌های انسان ساز قرآن کریم در حوزه امر به معروف و نهی از منکر در تقویت و بالندگی سرمایه اجتماعی نقش مهمی را ایفا می کند و مهم ترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی یعنی اعتماد، مشارکت، اتحاد، حمایت و امنیت اجتماعی، در سه اصل قرآنی مورد نظر نمود و جلوه‌ای خاص داشته و ضمن رفع کاستی‌ها و نقائص سرمایه اجتماعی غرب، به تقویت و بالندگی آن پرداخته و راهکارهایی ارزشمند در این راستا ارائه گردیده است.

واژگان کلیدی: امر به معروف، نهی از منکر، نظارت همگانی، سرمایه اجتماعی، اعتماد، روابط اجتماعی.

Email: si.joveinypour@gmail.com

Email: spirouzfâr@um.ac.ir

Email: rostami@um.ac.ir

* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه فردوسی مشهد

** دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

*** دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

تاریخ تأیید ۹۶/۴/۲۵

تاریخ دریافت ۹۵/۱۱/۱۰

مقدمه

یکی از دغدغه‌ها و آرمان‌های مقدس همه انسان‌ها در طول تاریخ بشری، تنظیم روابط انسانی براساس وحدت و انسجام اجتماعی و دوری از اختلافات و تعارضات بنیان‌شکن بوده است. در این میان، فریضه «امر به معروف و نهی از منکر» و یا به عبارتی امروزی «نظارت همگانی» یکی از مهم‌ترین راهکارهای اسلامی برای برقراری روابط سالم میان اعضای جامعه، ایجاد ثبات اجتماعی، اصلاح جامعه و رفع تعارضات و اختلافات محسوب می‌شود.

یکی از مشکلات جامعه کنونی ما، در حاشیه قرار گرفتن و کم‌اهمیت جلوه دادن نظارت همگانی است که پیامد آن رواج انحرافات اجتماعی و سیاسی و بی‌اثر بودن هزینه‌های سنگینی است که برای مقابله با این انحرافات به عمل می‌آید. از آنجا که این فریضه، بخشی از فرایند جامعه‌پذیری است و در جهت شکل‌دهی و حفظ الگوهای فرهنگی به کار می‌رود، نیازمند توجه و اهتمام بیشتری خواهد بود. حل این مشکل تنها با شناخت ریشه‌ای و با رویکردی صحیح امکان‌پذیر بوده و سرمایه اجتماعی استخراج شده از قرآن کریم، می‌تواند رویکرد علمی مناسبی در این راستا باشد.

فرضیه ما آن است که نظارت همگانی، یک پدیده جامعه‌شناختی است و تحقق و نهادینه شدن آن وابسته به شرایط و زمینه‌های اجتماعی است. از سویی دیگر، سرمایه اجتماعی داعیه‌گره‌گشایی از بسیاری معضلات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی دارد و حاوی مفاهیمی چون اعتماد اجتماعی، همکاری، شبکه‌های اجتماعی، هنجارها و ارزش‌های مثبت است که توجه به معنای امر به معروف و نهی از منکر، بخش عمده‌ای از این هدف را دربر می‌گیرد.

با توجه به آنکه کشور ما دارای فرهنگ و پیشینه مذهبی و اسلامی است، می‌تواند بستر و زمینه مناسبی برای اجرایی نمودن این حوزه مهم و در نهایت تقویت سرمایه اجتماعی و ایجاد همبستگی ملی فراهم نماید. مسئله اساسی این پژوهش، دستیابی به الگویی از تقویت سرمایه اجتماعی، متکی بر معارف و آموزه‌های این اصل مهم است.

در این پژوهش از روش توصیفی، جمع داده‌ها و روش کتابخانه‌ای و اسنادی استفاده شده و سپس به تجزیه و تحلیل مطالب پرداخته شده است.

چارچوب مفهومی پژوهش

۱. سرمایه اجتماعی^۱

سرمایه اجتماعی از دو مفهوم «سرمایه» و «اجتماع» تشکیل شده است: «سرمایه» به مجموعه ابزارهایی گفته می‌شود که فرد، گروه، نهاد یا جامعه‌ای برای رسیدن به هدف‌هایش از آنها استفاده می‌کند (موسوی، ۱۳۸۶، ص ۷۲).

این واژه دلالت می‌کند که سرمایه اجتماعی همانند سرمایه انسانی یا سرمایه اقتصادی، ماهیتی زاینده و مولد دارد. کلمه «اجتماعی» نیز دلالت می‌کند که این منابع، خود دارایی‌های شخصی محسوب نمی‌شوند و هیچ فردی به تنهایی مالک آنها نیست. این منابع در دل شبکه‌های روابط قرار گرفته‌اند (الوانی و سیدنقوی، ۱۳۸۱، ص ۱۳).

اندیشمندان برحسب دیدگاه‌های خود، تعاریف مختلفی از سرمایه اجتماعی به عمل آورده‌اند که می‌توان از مجموع این تعاریف به دست آورد که «سرمایه اجتماعی، پتانسیل نهفته در روابط میان افراد و گروه‌های یک جامعه است که باعث انجام امورات آنها می‌شود» (سعادت، ۱۳۸۶، ص ۱۷۷).

سرمایه اجتماعی، به ظرفیت‌های ارتباطی در اجتماع توجه دارد و به امر وحدت، همبستگی و انسجام ملی می‌پردازد. منظور از سرمایه اجتماعی، بعد معنوی یک اجتماع و بخشی از ثروت ملی است که سبب بهره‌مندی بیشتر از سرمایه انسانی و فیزیکی شده و ظرفیتی است که همکاری میان افراد و نهادهای یک جامعه را ارتقا می‌بخشد. کلیدواژه مبین سرمایه اجتماعی، روابط است. کیفیت و کمیت روابط اعضای جامعه در چشم‌انداز کشورها به لحاظ کارکردها، آثار و نتایجی که برای آن شمرده‌اند، مهم و حیاتی تلقی شده است. هدف سرمایه اجتماعی، تشویق افراد به همکاری و مشارکت در تعاملات اجتماعی برای توسعه و نیز حل معضلات اجتماع می‌باشد.

گرچه سرمایه اجتماعی مفهومی نوظهور است؛ اما ریشه‌های نظری آن در آثار کلاسیک جامعه‌شناسی موجود است؛ جامعه‌شناسان کلاسیک مانند «دورکیم»، «تالکوت پارسونز»، «تونیس» و «ماکس وبر» از دیرباز به طرح مباحثی پرداخته‌اند که از بطن آن مفهوم سرمایه اجتماعی برداشت می‌شود.

آنچه با تعمق در آرای اندیشوران متأخر و کلاسیک برداشت می‌شود، آنکه استفاده از واژه «سرمایه اجتماعی» در معنای امروزی آن به سال ۱۹۱۶م، و نوشته‌های «لیداجی هانینان» سرپرست وقت مدرسه ویرجینیای غربی در آمریکا بازمی‌گردد (رحمانی و کاوسی، ۱۳۸۷، ص ۱۹). وی در مقاله خود، سرمایه اجتماعی را شامل دارایی‌هایی دانست که در زندگی روزانه افراد وجود دارند؛

1. Social capital

مانند: حس تفاهم، رفاقت و دوستی، احساس همدردی در روابط اجتماعی بین افراد و بین خانواده‌هایی که یک واحد اجتماعی را تشکیل می‌دهند (پیراهری، ۱۳۸۸، ص ۱۱۰-۱۱۱).

اولین توضیح و تفسیر یکپارچه این اصطلاح از سوی بوردیو در سال ۱۹۷۲م، انجام شد. در دهه ۱۹۸۰م، جیمز کلمن، فصل مهمی از کتاب بنیان‌های نظریه اجتماعی خود را به بحث سرمایه اجتماعی اختصاص داد و در سراسر این کتاب نیز به توضیح عناصر و اجزای آن پرداخت. در دهه ۱۹۹۰م، مفهوم سرمایه اجتماعی توسط بانک جهانی و کتاب بولینگ تک نفره رابرت پاتنام معروف شد (همان).

طی سال‌های ۱۹۹۰م، به این سو، نظریه سرمایه اجتماعی با اقبال قابل توجه اندیشمندان و محققان رشته‌های مختلف علوم اجتماعی مواجه شد (دینی ترکمانی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۹) چراکه دغدغه تنزل روابط اجتماعی، مسئله‌ای است که ذهن اندیشمندان امور اجتماعی را به خود مشغول کرده بود.

بدین ترتیب سه شخصیت اخیر: پیر بوردیو، جیمز کلمن و رابرت پاتنام، سهم بسزایی در طرح مفهوم سرمایه اجتماعی داشته‌اند.

ابعاد سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی دارای سه بعد به قرار زیر می‌باشد:

الف) بعد ساختاری: این بعد میزان ارتباطی را که افراد با یکدیگر در سازمان‌ها برقرار می‌کنند در بر می‌گیرد که شامل شبکه، شکل و ترکیب شبکه و تناسب سازمانی است (ناهایپ و قوشال، ۱۹۹۸، ص ۲۵).

این بعد، بستری را فراهم می‌کند که سرمایه اجتماعی بتواند ظهور یابد و بقیه ابعاد سرمایه اجتماعی در این بستر جای گیرد (کلمن، ۱۹۹۰، ص ۳۰۶)؛

ب) بعد شناختی: این بعد که محور آن، شناخت (یعنی فعالیت‌های ذهنی، عقلی و اندیشه‌ای) است، با استفاده از زبان مشترک، بینش مشترکی از اهداف و ارزش‌ها را برای اعضای شبکه فراهم می‌کند و مقدمه فعالیت بهینه آنان را در نظام اجتماعی فراهم می‌کند (صالحی امیری و اسماعیلی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۰).

این بعد، به بخش غیر ملموس سرمایه اجتماعی می‌پردازد که شامل ارزش‌ها، عقاید، نگرش‌ها، رفتارها و هنجارهای اجتماعی می‌شود و به صورت جزئی‌تر، روحیه اعتماد، یکپارچگی اعضا و ارتباط متقابل میان آنان را در بر می‌گیرد (الوانی و سیدنقوی، ۱۳۸۱، ص ۱۵)؛

ج) بعد ارتباطی: این بعد، شامل مؤلفه‌هایی چون: اعتماد، هنجارها، تعهدات، روابط متقابل و تعیین هویت مشترک است (همان). در واقع این بعد، ماهیت و کیفیت روابط در یک سازمان را در بر می‌گیرد.

بعد ارتباطی، ارتباط میان افراد را مورد تأکید قرار می‌دهد و در ارتباط متقابل میان انسان‌ها شبکه‌ای به وجود می‌آید که حامل سرمایه اجتماعی است. این شبکه، حالت تارهای نامرئی میان انسان‌ها را بازی می‌کند. ارتباط متقابل انسانی اگر بر مبنای اعتماد شکل گیرد، سرمایه اجتماعی را در خانواده و سازمان ایجاد می‌کند (پاتنام، ۱۹۸۸، ص ۱۹).

عناصر و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی دارای شاخصه‌ها و مؤلفه‌های فراوانی است که متناسب با فرهنگ جامعه و کارکردهای متفاوتی که دارد، مورد شمارش واقع می‌شود. در ذیل به برخی از مهم‌ترین این مؤلفه‌ها می‌پردازیم:

۱. اعتماد

اعتماد مهم‌ترین مؤلفه و نتیجه سرمایه اجتماعی است. در واقع، سرمایه اجتماعی به وسیله اعتماد شناخته می‌شود و رابطه دوسویه‌ای با آن دارد. از طرفی، اعتماد سرمایه اجتماعی را به وجود آورده و از طرف دیگر، اگر در جامعه‌ای سرمایه اجتماعی به اندازه کافی وجود داشته باشد، اعتماد میان افراد تقویت می‌گردد (کلمن، ۱۹۹۰، ص ۳۰۶). اعتماد به‌عنوان بعد شناختی سرمایه اجتماعی، حلقه واسط میان بعد ارتباطی و ساختاری تلقی می‌گردد.

۲. مشارکت

مشارکت را می‌توان میزان دخالت اعضای نظام اجتماعی در فرایند تصمیم‌گیری، برانگیختن حساسیت مردم در ادراک و توانمندی در پاسخگویی به طرح‌های توسعه در ابعاد گوناگون یا فرایندی در راستای باروری نیروی تصمیم‌گیری و موجبات رشد و توانایی اساسی بشر دانست (نادری و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۹۸).

مشارکت اجتماعی را می‌توان فرایند سازمان یافته‌ای دانست که از سوی افراد جامعه به صورت آگاهانه، داوطلبانه و جمعی، با در نظر داشتن هدف‌های معین و مشخص، به منظور سهم شدن در منابع قدرت انجام می‌گیرد (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳، ص ۲۹۳). گرچه مشارکت لزوماً نتیجه‌اش سهم شدن در قدرت نیست؛ ولی می‌تواند از عوامل مؤثر بر آن باشد. مشارکت اجتماعی همچنین عامل تقویت همبستگی در شبکه‌های اجتماعی است.

۳. انسجام اجتماعی

امیل دورکیم از اولین جامعه‌شناسانی است که مفهوم انسجام و همبستگی اجتماعی را مطالعه کرده و وجود آن را برای هر جامعه‌ای لازم دانسته است. وی بر این باور است که انسجام وقتی رخ می‌دهد که عواطف افراد به وسیله نمادهای فرهنگی تنظیم شوند، افراد متصل به جماعت، اجتماعی شده، کنش‌ها تنظیم و به وسیله هنجارها هماهنگ شده باشد و نابرابری‌ها قانونی تصور شود (اکبری، ۱۳۸۳، ص ۱۷).

مقایسه سرمایه اجتماعی غرب با اسلام

داشتن نگاهی ابزاری به مفاهیم و عوامل کیفی در ارتقا و افزایش سرمایه اجتماعی در غرب که ناشی از نگاه انسان‌محور و خالی از ارزش‌های معنوی، قدسی و توحیدی است، سبب افزایش درصد خطا در این نظریه‌ها شده، تا جایی که دوام، پایداری و اثرگذاری آنها در جوامع انسانی که دارای فطرتی الهی هستند، قابل تأمل می‌باشد (اعتصامی و فاضلی کبریا، ۱۳۸۹، ص ۲۳).

هدف اصلی متفکران غربی از بیان مباحث سرمایه اجتماعی، رسیدن به توسعه اقتصادی و منافع مادی بیشتر است و این مسئله، از اصلی‌ترین کارکردهای سرمایه اجتماعی غرب محسوب می‌شود. از این‌رو دامنه دید آنان محدود و زمینی است و دارای آثار و اهداف آرمانی که ارضاکنده نیازهای معنوی نوع انسان باشد در آن یافت نمی‌شود (فاضلی کبریا، ۱۳۹۱، ص ۸۲).

افزون بر این، فضای بحث نظریه‌پردازان غربی در باب سرمایه اجتماعی، در بستر قوانین و ساختارهای اجتماعی بوده، همین امر سبب گشته تا سرمایه اجتماعی در بستر خشک قانونی ظهور و بروز پیدا نماید و از انعطاف کمتری برخوردار باشد. از این‌رو توجه بیشتر به فضای جامعه و بیرون از وجود فرد است تا درون وی. این امر، سبب بی‌توجهی به عناصر مهم حیاتی انسان چون: محبت و مودت انسانی، ایثار و فداکاری و اموری از این دست گشته است.

اما آنچه در سرمایه اجتماعی اسلامی بر آن تأکید و مورد اهمیت قرار گرفته است که این سرمایه باید در چارچوب دینی و خدامحوری باشد. هدف از برقراری ارتباط، مهم‌تر از خود ارتباط است. در واقع «خدامحوری» روح سرمایه اجتماعی است و هویت آن را تشکیل می‌دهد. خدامحوری به این معناست که تا رابطه فرد با خدا اصلاح نگردد، رابطه انسان با دیگران و نظام خلقت اصلاح نمی‌گردد.

فضای سرمایه اجتماعی در یک جامعه دینی، فضایی اخلاقی است و روابط اجتماعی انسان با دیگران و با جامعه، بر مدار دین تنظیم می‌شود (الویری، ۱۳۸۳، ص ۲۳).

بر این اساس، نگاه دین به سرمایه اجتماعی نگاهی جامع‌تر و فراخ‌تر از نگاه جامعه‌شناسان غربی است. اسلام هم به توسعه مادی و هم به توسعه معنوی می‌اندیشد و سود اقتصادی هدف اصلی اسلام نیست. در متون دینی نگاهی روشمند با سازوکارهایی مشخص و شفاف جهت تقویت سرمایه اجتماعی وجود دارد و بسیاری از اصول و مبانی دینی، خود ایجادکننده و گسترش‌دهنده سرمایه اجتماعی هستند.

۲. امر به معروف و نهی از منکر

«معروف» از ریشه «عرف» است و به دو اصل صحیح دلالت می‌کند: تابع و پی‌درپی بودن اجزای شیء و اتصال آن به هم و دوم: آرامش و سکون (ابن فارس، ۱۳۹۸، ج ۴، ص ۲۸۱).

صاحب مقایس اللغه می‌گوید: «معرفت، عرفان و معروف از ریشه و معنای دوم می‌باشند؛ زیرا انسان به آنچه می‌شناسد (معروف) آرامش می‌یابد و از آنچه نمی‌شناسد (منکر) وحشت‌زده شده، فرار می‌کند» (همان). راغب نیز می‌نویسد: معروف امر شناخته شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۵۶۰).

«منکر» از ریشه «نکر» و به معانی چون جهل و عدم شناخت (راغب اصفهانی، همان، ص ۸۲۳) عدم پذیرش و انکار در برابر اعتراف (ابن فارس، ۱۳۹۸، ج ۴، ص ۲۸۱) امر زشت، ناپسند و قبیح (آیات ۷۱ توبه؛ ۱۹ لقمان؛ ۷۴ کهف) و عیب گرفتن و نهی کردن (قرشی، ۱۳۷۸، ج ۷، ص ۴۰۹) استعمال شده است.

برای واژه معروف در اصطلاح تعاریفی ارائه شده که قدر مشترک میان آنها این است که معروف مقابل منکر قرار می‌گیرد و به عملی اطلاق می‌شود که عقل، شرع و فطرت سلیم صحت آن را تأیید کرده و پسندیده بدانند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۵۶۰؛ نیز فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۳۱۵؛ طبرسی، ۱۴۰۶، ج ۴، ص ۵۱۲؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۷، ص ۳۴۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۲۳۹؛ قرشی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۳۲۸). برخی دیگر نیز آنچه را که موجب اطاعت خداوند و تقرب به او شده و برای مردم نیکی و احسان دربر داشته باشد، معروف دانسته‌اند (ابن منظور، همان؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۹۴). برخی دیگر نیز از دیدگاه فقهی به معروف نگریسته و گفته‌اند که معروف چیزی است که عقل یا شرع، واجب یا مستحب بدانند (خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۶۳).

واژه منکر نیز مقابل معروف و در اصطلاح عبارت است از هر عملی که عقول سلیم به ناپسند بودن آن حکم کنند و شرع هم آن را قبیح شمرده و رد کند و با احکام الهی در تعارض باشد و به تعبیری

حرام باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۵۶۰؛ صدر، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۴۱۶؛ ایزوتسو، ۱۳۶۰، ص ۲۷۱؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۵۰۲).

از مجموع این تعاریف نکات زیر برداشت می‌شود:

۱. میان معنای لغوی و اصطلاحی این دو واژه مناسبت و رابطه تنگاتنگی وجود دارد و بر محور شناخت و عدم شناخت می‌چرخد؛

۲. تعاریف، بیانگر تقابل معنایی این دو واژه با یکدیگر است. این تقابل معنایی، در قرآن کریم نیز به وضوح دیده می‌شود؛

۳. در تبیین مفهوم دو واژه معروف و منکر، مرجع تشخیص، شرع، عقل، عرف اجتماعی، فطرت و قلب لحاظ شده است؛

۴. با توجه به این تعاریف، حیطة مفهومی و مصادیق معروف و منکر گسترده است و تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان را شامل می‌شود. از این رو، بهترین راه شناخت معروف و منکر، یافتن مصادیق این دو واژه از طریق شرع است که عقل، فطرت و قلب سلیم نیز مؤید آن می‌باشند. از آنجا که لازم نیست امر و نهی به صورت زبانی باشد، به هر اقدام و کوششی که به منظور اثر گذاردن در دیگری انجام می‌شود، به گونه‌ای که او را به کار واجب واداشته یا از حرام باز دارد «امر به معروف و نهی از منکر» گفته می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص ۱۸۰).

امر به معروف و نهی از منکر یا نظارت همگانی، بخشی از فرایند جامعه‌پذیری است که فعالیت‌های مربوط به مشارکت اجتماعی را سامان‌بخشی می‌نماید. این فریضه در اسلام جایگاهی بس والا داشته و بزرگان دین به آن سفارش و توصیه نموده‌اند. برای امر به معروف مراتب و مراحل مختلفی ذکر شده و شیوه‌های متعدد و متفاوتی دارد که در این مقال مجال بحث درباره آن نیست. در ذیل به تأثیر امر به معروف و نهی از منکر در تقویت سرمایه اجتماعی پرداخته می‌شود.

الگوی تقویت سرمایه اجتماعی، مبتنی بر امر به معروف و نهی از منکر

الگوی طراحی شده، مبتنی بر تأثیر و نقش امر به معروف و نهی از منکر، به‌عنوان متغیر مستقل در تقویت سرمایه اجتماعی به‌عنوان متغیر وابسته می‌باشد. این الگو بر نقش این فریضه الهی بر تقویت پیوندهای ذهنی و عینی تأکید دارد. اهمیت این مطلب از آنجاست که یک جامعه یا گروه، زمانی در خدمت فرد یا گروهی قرار می‌گیرد که با او دارای پیوندهای ذهنی و عینی باشد. پیوندهای عینی به پیوندهای افراد در فضای اجتماعی اشاره دارد و پیوندهای ذهنی بین افراد نیز، در حوزه هیجانات مثبت و اعتماد مطرح است. بر این اساس، سرمایه اجتماعی که مستلزم دو جزء

پیوندهای ذهنی و پیوندهای عینی است، قابلیت فراوانی در ارتقای میزان و کیفیت برقراری ارتباطات افراد و گروه‌های اجتماعی داراست.

توجه به سه اصل زیربنایی در حوزه امر به معروف و نهی از منکر به‌عنوان متغیرهای میانجی که تقویت‌کننده سرمایه اجتماعی است، نکته مهم دیگری در الگوی طراحی شده ماست. در ذیل به آیاتی که در راستای ایجاد پیوندهای ذهنی و عینی میان طرفین امر به معروف و نهی از منکر است اشاره می‌گردد و اصول اصلی مطرح شده در آن مورد بررسی قرار می‌گیرد:

الف) اصل اخوت دینی

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (حجرات، ۱۰) در حقیقت مؤمنان با هم برادرند پس میان برادرانتان را سازش دهید و از خدا پروا بدارید. امید که مورد رحمت قرار گیرید».

خداوند در این آیه شریفه، پیش از بیان مسائل اخلاقی و دستور به معروف‌ها و نهی از منکرهای مورد نظر، با برادر خواندن مؤمنان نسبت به یکدیگر، درصدد ایجاد پیوند عمیق عینی و ذهنی میان آنان می‌باشد تا پذیرش این مطلب و عمل بدان برای مخاطب با انگیزش بیشتری انجام گردد. بر این اساس، اگر جوامع اسلامی به این آیه عمل نمایند، اختلافات، به دوستی و صفا مبدل می‌شود و جهان اسلام، به اتحاد و انسجام اسلامی خواهد رسید.

روی این اصل مهم اسلامی، مسلمانان از هر نژاد و هر قبیله و دارای هر زبان و هر سن و سال که باشند، با یکدیگر احساس عمیق برادری می‌کنند، هرچند یکی در شرق و دیگری در غرب جهان زندگی کند. به تعبیر دیگر، اسلام تمام مسلمان‌ها را در حکم یک خانواده می‌داند و همه را خواهر و برادر یکدیگر خطاب می‌کند. این امر نه تنها در لفظ و در شعار، بلکه در عمل و تعهدات متقابل نیز برقرار است (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۲۲، ص ۱۷۲).

محور و اساس این رابطه استوار و پیوند عمیق نیز، یک چیز و آن ایمان است؛ ایمان به‌عنوان ارزشی مشترک در میان اعضای جامعه دینی، پیونددهنده روابط و شکل‌دهنده هنجارها و ارتباطات متقابل است.

امروز گروهی از جامعه‌شناسان معتقدند که عواملی همچون: نژاد، زبان، وحدت تاریخ، وحدت ارضی و خون عناصر سازنده ملیت و وحدت ملت‌هاست و در سایه یکی از این عوامل، می‌توان اجتماع واحدی ساخت که اعضای آن در کنار یکدیگر، زندگی صمیمانه‌ای داشته باشند. با این همه تا زمانی که یک وحدت فکری و روحی و یگانگی در هدف و عقیده در کار نباشد، اتحاد و پیوستگی افراد، تحت این عوامل و عناصر غیرارادی، پایدار نخواهد بود و اگر روزی برای هدف مشترکی دست اتحاد به سوی

هم دراز کنند و دست همدیگر را به‌عنوان برادری بفشارند، پس از نیل به هدف، مدتی نخواهد پایید که اختلاف فکری و روحی و اختلاف خواست‌ها و اراده‌ها، تصادم و تضاد عجیبی در میان آنان به وجود خواهد آورد و آنها را از هم جدا خواهد ساخت (نک به: سبحانی، ۱۳۸۶، ص ۹۴-۹۵).

آیه شریفه، پس از بیان این اصل مهم و اساسی در روابط میان مسلمانان، دستور به اصلاح جامعه می‌دهد و برای حل مسائل اختلافی که خواه ناخواه اتفاق می‌افتد، مؤمنان را دعوت به تقوای الهی می‌کند. در حقیقت، تقوا راه دستیابی به رحمت الهی و راه وصول به نتایج مثبتی است که سلامت عمومی زندگی را تضمین می‌کند (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۲۱، ص ۱۴۶-۱۴۷).

بررسی رابطه اخوت دینی، سرمایه اجتماعی و نظارت همگانی

چنانچه پیشتر بیان شد، اصل نظارت عمومی یا امر به معروف و نهی از منکر یکی از وظایف مؤمنان نسبت به هم در جامعه دینی است. در سایه برقراری این فریضه دینی، روابط متقابل تقویت می‌گردد، چراکه دعوت به خوبی و نهی از بدی دیگران مستلزم برقراری رابطه‌ای اعتمادآمیز میان طرفین است. این رابطه طرفینی که بر مبنای اعتماد متقابل و براساس اخوت دینی طراحی شده، سبب تقویت سرمایه اجتماعی می‌شود.

از سویی دیگر، اخوت دینی دارای آثاری اجتماعی است که در ساختار شبکه اجتماعی، سبب ایجاد ارتباط، پیوند و الفت میان اعضای جامعه دینی می‌گردد. در واقع، این رابطه، مظهر کامل همبستگی میان دو انسانی است که در یک افق زندگی می‌کنند و همواره رمز محبت و الفت در محیط‌ها و جمعیت‌ها است.

احساس رابطه طرفینی اخوت از سوی اعضای خانواده بزرگ ایمانی، سبب ایجاد وفاداری و اعتماد شدید در میان اعضای گروه می‌شود. پیش از این بیان شد که اعتماد از مهم‌ترین عناصر تشکیل‌دهنده سرمایه اجتماعی به شمار می‌آید؛ در سایه اخوت دینی و احساس رابطه عمیق برادری در جامعه، اعضای جامعه ایمانی اعتماد بیشتری به یکدیگر خواهند داشت چراکه یکدیگر را برادر و خواهر دینی دانسته و ارتباط عاطفی عمیقی میانشان شکل یافته است.

بدین ترتیب نظارت همگانی سبب رابطه‌ای محبت‌آمیز و اعتمادزا می‌شود. در سایه این اعتماد و محبت متقابل میان اعضای جامعه، افراد میل بیشتری به پذیرش اوامر و نواهی دیگران از خود نشان می‌دهند چراکه آمران و ناهیان را برادران خود و دلسوز خویش یافته و با آغوش بازتری پذیرای اوامر و نواهی آنان باشند. به همین منظور، در آیه شریفه مورد بحث نیز، پس از بیان اصل اخوت، به اصلاح نمودن میان افراد جامعه دستور داده - که از بزرگ‌ترین معروفات اجتماعی محسوب می‌شود -

و با فراهم شدن فضای مناسب فکری و آمادگی لازم در مخاطبین، در آیه بعد به نهی از منکراتی چون تمسخر دیگران، القاب زشت به یکدیگر دادن، عیب‌جویی و غیبت نمودن کرده است. منکراتی که هریک آفتی بزرگ بر سر راه اعتماد اجتماعی و سبب متلاشی شدن جامعه متحد و یکپارچه دینی و از مهم‌ترین عوامل تفرقه به شمار می‌آیند.

انسان‌ها غالباً نسبت به هر جمعی که تعلق و تعهد بیشتری داشته باشند، میزان حساسیت و توجهشان به سلامت و پایداری آن جمع بیشتر خواهد بود و در نتیجه، مشارکت اجتماعی بیشتری نسبت به آن جمع از خود نشان می‌دهند. بیان رابطه اخوت دینی، موجب تعلق و تعهد در میان اعضای جامعه می‌شود و آنچه در این میان، پیونددهنده اعضای گروه به یکدیگر می‌باشد، نیروی ایمان است. همین امر سبب می‌گردد که اختلافات میان مسلمانان ریشه‌ای، عمیق و طولانی نشود چراکه آنان برادران یکدیگرند و تلاش می‌کنند تا هرچه سریع‌تر اختلافات را به صلح و آشتی مبدل سازند.

تئوری‌های فرایند اجتماعی بر کنش‌های متقابل مردم با سازمان‌های گوناگون، نهادها و فرایندهای اجتماعی تأکید می‌نماید که اگر روابط موجود در بین مردم از نوع مثبت و گرم باشد، مردم می‌توانند از عهده مسائل اجتماعی برآیند؛ اما اگر این روابط، منفی و مخرب باشند، مردم را با مشکل مواجه ساخته و میزان قانون‌گریزی را در جامعه افزایش خواهد داد (چلبی و مبارکی، ۱۳۸۴، ص ۱۳).

از سویی دیگر، رابطه محبت‌آمیز و برادرانه افراد یک جامعه با یکدیگر، سبب افزایش درصد امنیت فردی و اجتماعی بین افراد می‌شود؛ در سایه اخوت دینی و احساس برادرانه متقابل میان افراد اجتماع، مردم نسبت به جان و مال خویش احساس امنیت کامل می‌کنند چراکه نگاهشان به یکدیگر نگاهی برادرانه و مهرآمیز است، نه نگاهی بیگانه و نامأنوس، از این‌رو درصد موفقیت و تأثیر عملی فریضه امر به معروف و نهی از منکر در این جامعه، به دلیل وجود همین احساس امنیت، چشمگیر و قابل توجه خواهد بود.

همچنین، ایجاد احساس مسئولیت‌پذیری در قبال انحرافات اجتماعی افراد جامعه و تلاش در جهت رفع اختلافات اجتماعی مسلمانان، از ثمرات همین احساس اخوت در میان اعضای جامعه می‌باشد. اینجاست که امر به معروف و نهی از منکر، به‌عنوان کارآمدترین اهرم در جهت مبارزه با انحرافات و اختلافات رخ نموده و اساسی‌ترین عامل اصلاح اجتماعی قرار می‌گیرد.

یکی دیگر از آثار مهم اخوت دینی، ایجاد احساس هویت جمعی در میان اعضای جامعه بزرگ اسلامی است؛ احساس عضویت و تعلق و تعهد یک فرد به جمع یا گروه یا جامعه‌ای مشخص را «هویت جمعی» می‌گویند. براساس هویت جمعی، هرگونه تلاش و کوشش افراد برای بقا و تقویت خود، در قالب کوشش برای بقا و تقویت جمع تبلور می‌یابد و فرد از هرگونه هزینه‌ای

برای تصحیح و تکامل فرایند حیات و سرزندگی آن جمع دریغ نمی‌کند (ابوالحسنی، ۱۳۸۹، ص ۱۱). هویت گروهی منجر به بیشتر شدن فعالیت در حوزه «مشارکت اجتماعی» می‌گردد. مشارکت اجتماعی را می‌توان فرایند سازمان یافته‌ای دانست که افراد جامعه به صورت آگاهانه، داوطلبانه و جمعی، با در نظر داشتن هدف‌های معین و مشخص که منجر به سهیم شدن در منابع قدرت می‌شود، تعریف کرد (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۰، ص ۱۵-۱۶). از این رو، می‌توان نظارت همگانی را فعالیت و گامی مثبت در جهت افزایش مشارکت اجتماعی دانست.

افزون بر موارد یادشده، می‌توان احساس تعلق و هویت جمعی در روابط میان افراد را، افزایش دهنده «حمایت‌های اجتماعی» دانست. حمایت عبارت است از ارزیابی شناختی فرد از محیط و روابطش با دیگران و روابط، در صورتی منبعی برای حمایت اجتماعی هستند که فرد آنها را به‌عنوان منبعی در دسترس یا مناسب برای رفع نیاز خود درک کند (فاندی و یعقوبی، ۱۳۸۷، ص ۷۰). این مسئله در میزان مشارکت اجتماعی افراد جامعه در کارهای عام‌المنفعه از جمله مشارکت در امر به معروف و نهی از منکر، تأثیر بسزایی دارد.

اصل اخوت، افزون بر ایجاد پیوندهای محکم و استوار فکری و روحی و عاطفی میان اعضای جامعه، سبب «اتحاد و انسجام ملی» نیز می‌گردد. همان چیزی که از اهداف عالی سرمایه اجتماعی است. اساس این اتحاد و همبستگی نیز، چیزی جز وحدت در عقیده و فکر نیست.

جامعه‌ای که محور فکری و عقیدتی نداشته باشد و به صورت دسته‌های گوناگون، بر محور افکار مختلف و متضاد دور بزند و مایه وحدت روحی و قدر مشترک فکری در میان آنها نباشد، فقط تا آنجا که وحدت و اتحاد، ضامن منافع مادی آنهاست، می‌توانند به‌طور موقت زندگی مسالمت‌آمیزی داشته باشند. پس عناصر مادی بی‌روح مانند نژاد، زبان، خون و... سازنده وحدت فکری نبوده و الهام‌یافته از درون انسان نیست و نمی‌توانند مبنای یک ملیت و اساس یک زندگی مشترک و سازنده یک جامعه واحد که الفت و صمیمیت و همبستگی کامل میان افراد آن وجود داشته باشد قرار گیرند، بلکه افرادی که در پرتو این عناصر گرد هم آمده‌اند، سرانجام بر اثر تضاد افکار و اختلاف در تشخیص و تباین هدف، وحدت و اتفاق و هماهنگی خود را از دست می‌دهند (سبحانی، ۱۳۸۶، ص ۹۱ و ۹۶).

آنچه بیشتر درباره نقاط ضعف سرمایه اجتماعی مطرح در غرب بیان شد، ناظر بر همین نکته است. وحدت و انسجامی که تنها بر پایه منافع مادی و شخصی باشد، دوام نخواهد یافت و ماندگار نخواهد ماند. قرآن کریم نیز با تأکید بر جنبه معنوی و روحانی اتحاد و محوریت فکری واحد که همان ایمان است، این نقطه ضعف سرمایه اجتماعی غرب را اصلاح نموده است.

الگوی زیر، بیانگر رابطه عمیق اخوت دینی و سرمایه اجتماعی است:



الگوی شماره ۱: رابطه عمیق اخوت دینی و سرمایه اجتماعی

ب) اصل ولایت محوری

«وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيَطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (توبه، ۷۱)

مردان مؤمن و زنان مؤمن دوستان یکدیگرند به نیکی فرمان می‌دهند و از ناشایست باز می‌دارند و نماز می‌گزارند و زکات می‌دهند و از خدا و پیامبرش فرمانبرداری می‌کنند. خدا اینان را رحمت خواهد کرد، خدا پیروزمند و حکیم است».

قرآن کریم در راستای برقراری پیوندهای ذهنی و عینی، به بیان رابطه ولایت میان اعضای جامعه ایمانی می‌پردازد. از این منظر، زمانی که در فضای ایمانی، مردان و زنان مؤمن با هم پیوند برادری داشته و قلب‌هایشان به هم نزدیک و اولیای یکدیگر باشند، همگی نسبت به هم ولایت متقابل خواهند داشت و در همه امور به کمک یکدیگر می‌شتابند.

در آیه شریفه، اوصاف پنج‌گانه مؤمنانی که نسبت به هم حق ولایت دارند، چنین بیان شده است:

۱. همدلی و یگانگی در هدف و عقیده و ویژگی‌های اخلاقی و انسانی؛

۲. دعوت به ارزش‌ها؛

۳. هشدار از ضد ارزش‌ها؛

۴. برپایی شایسته و بایسته نماز و تلاش در برپایی فرهنگ و راه و رسم آن؛

۵. پرداخت زکات و حقوق مالی؛

۶. فرمانبرداری از خدا و پیامبر.

این پنج وظیفه که با فعل مضارع بیان شده، وظیفه و عملکرد دائمی مؤمنان در جامعه ایمانی خواهد بود.

با این اوصاف، مؤمنان در جامعه اسلامی نسبت به یکدیگر از طرف خداوند، حق ولایت و نظارت همراه با محبت دارند و بی تفاوت نیستند. بر این اساس، امر به معروف و نهی از منکر که بر همه مردان و زنان با ایمان واجب است، برخاسته از حق ولایت بر یکدیگر است (قرائتی، ۱۳۷۷، ج ۵، ص ۱۰۴).

– رابطه ولایت متقابل، نظارت همگانی و سرمایه اجتماعی

ولایت متقابل مؤمنان در شبکه روابط اجتماعی جامعه ایمانی، سبب ایجاد رابطه استوار روحی، فکری و عملی میان اعضای جامعه می‌گردد. این احساس در قالب رابطه و وابستگی عاطفی و صمیمانه‌ای درمی‌آید که در اعماق فکر و روح و ضمیر و حیات نفوذ می‌کند چراکه ریشه و اساس آن از قاعده ثابتی که ایمان است نشئت می‌گیرد (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۱۱، ص ۱۶۱-۱۶۲).

«احساس مسئولیت اجتماعی» یا «شکل گرفتن تعلق خاطر» که از رابطه ولایتی مؤمنان نشئت می‌گیرد، نعمتی بزرگ در یک جامعه محسوب می‌شود و می‌توان آن را یک رفتار اجتماعی سرنوشت‌ساز برای توسعه دانست.

همچنین مسئولیت‌پذیری در ابعاد فردی و اجتماعی، مفهومی است که می‌تواند ابزار و وسیله خوبی برای حفظ انسجام اجتماعی، در عین احترام به تفاوت‌های موجود و فهم آنها باشد. در واقع، یکی از معانی مسئولیت‌پذیری، هماهنگی با قوانین اجتماعی و برآورده کردن انتظاراتی است که جامعه از فرد دارد. پس نوعی التزام به عمل در موقعیت‌های گوناگون به دلیل تقید نسبت به سایرین خواهد بود (سبحانی‌نژاد و فردانش، ۱۳۷۹، ص ۱۰۰).

امر به معروف و نهی از منکر نیز، یک رفتار قانون‌مدارانه اجتماعی است که تبعات اجتماعی در پی داشته و از حقوق متقابل مسلمانان به شمار می‌آید و افراد جامعه اسلامی در برابر آن مسئول می‌باشند. در واقع امر به معروف و نهی از منکر، به‌عنوان عاملی مهم در تقویت این احساس و نماد کامل مسئولیت‌پذیری افراد جامعه نسبت به یکدیگر می‌باشد.

مسئولیت‌پذیری اجتماعی، پیامدهای اجتماعی و فرهنگی زیادی دارد که یکی از مهم‌ترین آنها «دیگرخواهی» در روابط اجتماعی است که برای ایجاد جامعه‌ای سالم و آرام، حیاتی است. این امر، نشان‌دهنده رشد بالای اخلاقی افراد جامعه نیز می‌باشد. بر طبق تحقیقات جامعه‌شناسانی

چون کارتر و کاستیلو، دیگر خواهی، مانند اعتماد و هنجار عمل متقابل، جزئی از سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود (سروش، ۱۳۹۱، ص ۱۹۸).

در مقابل جامعه‌شناسان بر این باورند که بسیاری از مسائل اجتماعی از قبیل: بزهکاری، جرایم و مشکلات رفتاری در جامعه، با سطح نازل احساس مسئولیت فردی و اجتماعی رابطه دارد. تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که افراد هر چه بیشتر خود را مسئول بدانند، به مسائل و پیامدهای اعمال خود بیشتر توجه کرده، آنها را جدی‌تر می‌گیرند و برای حل آنها بیشتر می‌کوشند (همان، ص ۱۹۵ به نقل از لیونز و منزیس).

از دیگر سو، ایجاد رابطه و پیوند عمیق عاطفی و روحی و فکری در میان اعضای جامعه ایمانی، سبب افزایش میزان «اعتماد اجتماعی» در جامعه می‌شود.

به نظر کلمن، اگر دو ویژگی در روابط اجتماعی وجود داشته باشد، در آن صورت می‌تواند منابع سرمایه‌ای سودمندی را برای افراد تشکیل دهد:

الف) میزان درخور اعتماد بودن محیط اجتماعی؛ به این معنی که تعهدات بازپرداخت خواهند شد؛

ب) میزان واقعی تعهداتی که بر عهده گرفته شده است (کلمن، ۱۳۷۷، ص ۴۶).

این دو ویژگی، یعنی محیط اجتماعی قابل اعتماد و میزان تعهدات اعضای جامعه به یکدیگر، از آثار جامعه ایمانی و ولاء متقابل اعضای جامعه با یکدیگر می‌باشد که آیه شریفه مورد بحث بدان اشاره دارد.

بنابراین، ایجاد احساس عاطفی و قلبی عمیق میان افراد جامعه ایمانی که نشئت یافته از روحیه ولایت‌مداری آنان نسبت به یکدیگر است، تقویت‌کننده روحیه اعتماد جمعی بوده و اعتماد نیز دلیل اصلی انسجام اجتماعی است.

امر به معروف و نهی از منکر نیز عامل وحدت است و از تفرقه باز می‌دارد. چون امر به معروف، امر به چیزی است که عقل و نقل آن را به رسمیت می‌شناسند و چنین چیزی وحدت‌آفرین است. نهی یکدیگر از عوامل تفرقه، خودش عامل نزدیکی به هم است. مؤمنان پرورنده یکدیگرند و با هم، ستون امر به معروف و نهی از منکر را استوار می‌دارند (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ج ۳۴، ص ۵۰۰).

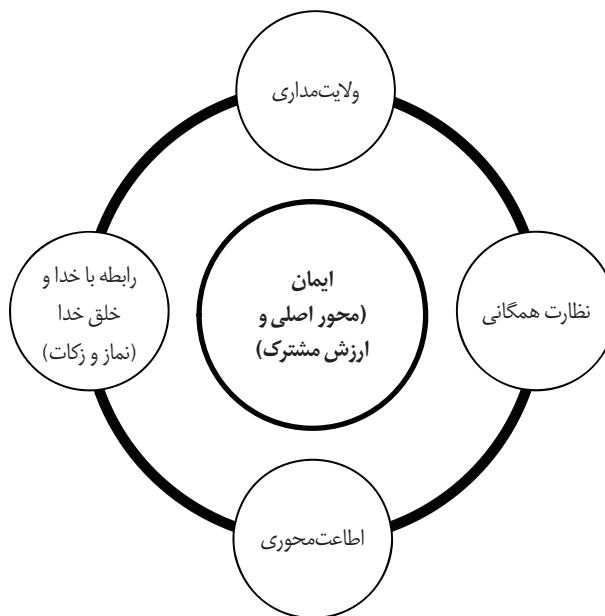
از سویی دیگر، اطاعت از خدا و رسول او (یعنی رهبران واقعی مردم و جامعه) توسط مردم در جامعه ایمانی، خود سبب‌ساز وحدت و انسجام ملی و مایه امنیت اجتماعی است. در پی این اطاعت، نظم اجتماعی و وحدت رویه در امور اجتماعی و قانونمندی ایجاد می‌گردد که از مؤلفه‌های بسیار مهم سرمایه اجتماعی است.

در آیه مورد بحث، شبکه ارتباطات در جامعه اسلامی، حول محور ایمان که همان ارزش مشترک میان مردم می‌باشد می‌چرخد و کنش و واکنش تعاملی در غالب رفتارهایی اجتماعی و نوع دوستانه،

یعنی امر به معروف و نهی از منکر، اقامه نماز، ایتاء زکات و اطاعت از خدا و رسول، رخ می‌نمایاند: آیه در راستای تقویت بعد ارتباطی، به ذکر سه صفت در کنار امر به معروف و نهی از منکر می‌پردازد؛ رابطه با خدا در قالب اقامه نماز، رابطه با خلق خدا در قالب ایتاء زکات و رابطه با اولیای خدا در قالب اطاعت از رسول. این موارد، به‌عنوان سه صفت بارز مؤمنان در آیه شریفه، بیان شده است. این سه صفت، از مشخصه‌های ایمان است که در شمار ولایت ایمانی است و باید در قالب نظارتی مردمی باشد، آن هم در حوزه ولایت و به صورت جمعی و متحد. بر این اساس، روحیه ولایت‌مداری، پیونددهنده روابط اعضا و عامل استحکام آن می‌باشد و پنج صفت مذکور، در این میان، عامل وحدت و انسجام اجتماعی است. هویت مشترکی که باعث پیوند مؤمنان و رابطه متقابل آنان می‌باشد، همان ایمانی است که در آیه بدان اشاره شده است.

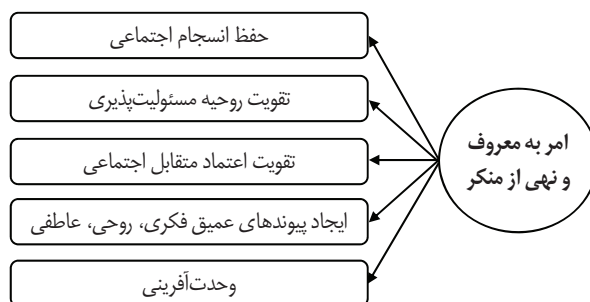
ایمان مهم‌ترین عامل نظارت درونی است که مهم‌ترین اثر آن در وجود انسان، رساندن وی به امنیت و آرامش درونی است. امنیت ذهنی یا احساس ایمنی، زیربنای تعاملات سالم و اعتمادخیز انسان را با سایر افراد جامعه تشکیل می‌دهد. تحقق امنیت ذهنی که در واقع بعد روانی امنیت است، می‌تواند بستر پیشرفت و توسعه جامعه باشد و آن را به سمت جامعه‌ای بهتر سوق دهد.

الگوی زیر بیان‌کننده این مطلب می‌باشد:



الگوی شماره ۲: ایمان عامل نظارت درونی در وجود انسان و رساندن وی به امنیت و آرامش درونی

الگوی زیر، تأثیر امر به معروف و نهی از منکر را در جهت تقویت سرمایه اجتماعی با تکیه بر اصل ولایت محوری بیان می‌دارد:



الگوی شماره ۳: امر به معروف و نهی از منکر و نقش آن در جهت تقویت سرمایه اجتماعی

ج) اصل وحدت

اهمیت اتحاد ملی و انسجام اسلامی، به‌عنوان اصلی ضروری و بایسته در جهت رشد و بالندگی و کمال معنوی و مادی جامعه اسلامی، تا جایی است که آیاتی از قرآن کریم و روایات بی شماری از اهل بیت (علیهم‌السلام) بدان اختصاص یافته و همگان را به این اصل ضروری و اساسی، به شیوه‌های مختلف دعوت کرده و حدود و مرزهای اتحاد، نوعیت اتحاد، محورها، مبانی و اهداف آن تشریح گشته است. در جامعه‌شناسی نیز، قوام و دوام هر جامعه‌ای وابسته به این اصل دانسته شده و از مؤلفه‌های مهم سرمایه اجتماعی قلمداد می‌گردد. در واقع، اتحاد ملی و انسجام اسلامی، رمز پیروزی و ماندگاری جامعه بشری در همه عرصه‌ها است و اختلاف و تفرقه، عامل انحطاط و شکست آنان است.

یکی از مهم‌ترین راهکارهای قرآنی توسعه اتحاد ملی و انسجام اسلامی، مؤلفه امر به معروف و نهی از منکر است که در قالب نظارت همگانی و کنار زدن بی تفاوتی و سستی نسبت به امور اجتماعی بیان گشته است. قرآن کریم می‌فرماید:

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ * وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ * وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (آل عمران، ۱۰۳-۱۰۵) و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید آنگاه که دشمنان [یکدیگر] بودید پس میان دل‌های شما الفت انداخت تا به

لطف او برادران هم شدید و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رهانید این گونه خداوند نشانه‌های خود را برای شما روشن می‌کند. باشد که شما راه یابید * باید از میان شما گروهی [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند و آنان همان رستگارانند * و چون کسانی مباشید که پس از آنکه دلایل آشکار برایشان آمد پراکنده شدند و با هم اختلاف پیدا کردند و برای آنان عذابی سهمگین است».

در این آیات شریفه، خداوند پس از دعوت اهل ایمان به اعتصام به جبل الهی و نهی از تفرقه و پایه‌ریزی اجتماعی متحد براساس اعتقاد و ایمان، در آیه بعدی، دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر را که موجب مشارکت آحاد اهل ایمان برای پاسداری از ارزش‌های جامعه دینی و لازمه زندگی سعادت‌مندانه اجتماعی است، مطرح می‌فرماید. وحدت کلمه بر محور کلمه توحید، بارزترین مصداق معروف و تفرقه و اختلاف، بارزترین مصداق منکر است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۵، ص ۲۵۵). اختلاف و تفرقه، وحدت را زایل کرده و قدرت و نیرو و شوکت مسلمانان را از بین می‌برد.

مسئله اخوت و اتحاد، با مسئله «امر به معروف» و «نهی از منکر» که بلافاصله پس از آن بیان شده، رابطه تنگاتنگی دارد؛ در حقیقت، این دو فریضه واجب، به منزله یک پوشش اجتماعی برای محافظت جمعیت است، زیرا اگر مسئله امر به معروف و نهی از منکر در میان نباشد، عوامل مختلفی که دشمن بقای «وحدت اجتماعی» هستند، همچون موریانه از درون، ریشه‌های اجتماع را می‌خورند و آن را از هم متلاشی می‌سازند، بنابراین، حفظ وحدت اجتماعی، بدون نظارت عمومی ممکن نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۴۷).

از سوی دیگر، قرار گرفتن آیه مربوط به امر به معروف و نهی از منکر در میان دو آیه‌ای که دستور اتحاد و یکپارچگی می‌دهد، شاید از آن رو باشد که در نظام اجتماعی متفرق و از هم پاشیده، یا قدرت دعوت به خیر و معروف وجود ندارد و یا اینکه چنین دعوت‌هایی مؤثر و کارساز نخواهد بود (قرائتی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۴۴).

یکی از ابتکارات زیبای قرآن کریم در بیان وظیفه خطیر امر به معروف و نهی از منکر آن است که برای دوری از تفرقه و اختلاف روش‌ها در این فریضه واجب، وجود نهادی قدرتمند، منسجم و مردمی را لازم می‌داند و می‌فرماید که در میان مسلمانان باید «امتی» باشند که این دو وظیفه بزرگ اجتماعی را انجام دهند.

امت در اصل از ماده «أم» به معنی هر چیزی است که اشیای دیگری به آن ضمیمه شود و به همین جهت امت به جماعتی که جنبه وحدتی در میان آنها باشد گفته می‌شود، خواه وحدت از نظر

زمان یا از نظر مکان و یا از نظر هدف و مرام. بنابراین، به اشخاص متفرق و پراکنده «امت» گفته نمی‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۴۷). تقدم «منکم» بر أمه نیز این معنا را تأیید می‌کند که باید از میان شما کسانی همفکر و هماهنگ باشند و برگزیده شوند که امر به معروف و نهی از منکر کنند. پس، کلمه أمه بیش از معنای گروهی، هم هدفی و هماهنگی را می‌رساند؛ بدین معنا که برای نگهداری وحدت، ناگزیر باید از ارزش‌هایی پاسداری کنیم که سبب یگانگی مردم و ضامن بقای وحدت باشد. از این رو، باید این گروه که عهده‌دار این مسئولیت خطیرند، پیش از هر چیز، خود رمز و نماد ارزش‌ها و یگانگی باشند تا نیروی معنوی عظیمی برای نگاهبانی بر وحدت در داخل جامعه اسلامی به شمار روند (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۲۵۹).

– رابطه اتحاد، نظارت همگانی و سرمایه اجتماعی

وجود جمعیتی منسجم با قدرتی وسیع در قالب نهادی، در حکم فصل الخطابی است که جلو هرگونه رفتارها و برخوردهای سلیقه‌ای افراد را با این وظیفه گرفته و از درگیری‌ها، نزاحمات و اختلافات احتمالی جلوگیری می‌نماید. وقتی گروهی متحد و منسجم به صورت قانونی، با داشتن قدرت اجرایی لازم و کافی اقدام به انجام این فریضه نمایند، آن جامعه به سرمایه عظیم اجتماعی دست یافته که آن را در راستای تحقق جامعه‌ای آرمانی و ایده‌آل راهبری می‌نماید. مردم نیز خود را در مقابل یک جمعیت نیرومند واحد می‌یابند که از قدرت اجرایی قانونی برخوردار بوده و از این جهت خود را ملزم به پذیرش سخن و امر و نهی آن جماعت می‌دانند.

بر این اساس، نهاد امر به معروف و نهی از منکر بر افراد امت سیطره دارد و از سوی دیگر، منتخب توده مردم است و مردم بر آن رقابت و سیطره خواهند داشت و با این نظم خاص، امت اسلامی در تکامل و تضامن متقابل و متعادل قرار می‌گیرد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۵، ص ۲۷۵).

یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای وحدت و یکپارچگی در یک جامعه، ایجاد احساس «امنیت اجتماعی» است که مقدمه لازم برای حیات هر نظام سیاسی و اجتماعی است. امنیت اجتماعی، مهم‌ترین مؤلفه تشکیل‌دهنده امنیت ملی است؛ وجود احساس امنیت در جامعه، منجر به تربیت شخصیت‌های سالم اجتماعی می‌شود؛ شخصیت‌هایی که در آن روح جمع‌گرایی تقویت شده است. همین امر سبب افزایش و تقویت سرمایه اجتماعی در میان مردم خواهد شد.

در همین راستا، برای حفظ وحدت و امنیت اجتماعی در حوزه امر به معروف و نهی از منکر، بر مردم لازم است که در قبال این فریضه و اجرای آن احساس مسئولیت نموده و با حمایت از متصدیان امر به معروف و مجریان نهی از منکر، در جهت گسترش و اجرای صحیح آن کمال

تلاش و کوشش لازم را مبذول نموده و نسبت به وضع عمومی امت اسلامی اطلاع و آگاهی لازم را کسب نمایند؛ زیرا اولین وظیفه برای اعضای یک نهاد منسجم و یکپارچه، آگاهی از سلامت یا بیماری سایر اعضا و مبادرت به درمان و تأمین بهداشت آنهاست.

نکته حائز اهمیت آنکه اگر قرار باشد امر به معروف و نهی از منکر، تنها به مرحله فردی محدود شود، همه مردم در وضع اجتماع دخالت کرده و بر اعمال یکدیگر نظارت می‌کنند. چنین وضعی سبب تولید هرج و مرج و برخوردهای مختلف در جامعه می‌گردد. از این رو، در اسلام شعاع عمل در مرحله اول که مرحله فردی امر به معروف و نهی از منکر است، محدود است و از تذکر و اندرز دادن و اعتراض و انتقاد نمودن و مانند آن تجاوز نمی‌کند؛ ولی مرحله دوم که مخصوص جمعیت معینی است و از شؤون حکومت اسلامی محسوب می‌شود، قدرت بسیار وسیعی دارد و اگر نیاز به شدت عمل و حتی قصاص و اجرای حدود باشد این جمعیت اختیار دارند که زیر نظر حاکم شرع و متصدیان حکومت اسلامی انجام وظیفه کنند. بنابراین با توجه به مراحل مختلف امر به معروف و نهی از منکر و حدود و مقررات هر یک، نه تنها هرج و مرجی در اجتماع تولید نمی‌شود، بلکه اجتماع از صورت یک جامعه مرده و فاقد تحرک بیرون آمده به یک جامعه زنده تبدیل می‌گردد (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۵۴).

در همین زمینه، روایتی از حضرت باقر (علیه السلام) نقل شده است که فرمود: «امر به معروف و نهی از منکر دو فریضه بزرگ الهی است که بقیه فرائض با آنها برپا می‌شوند، راه‌ها امن می‌گردند، کسب‌ها حلال می‌شوند، حق مظلومان به خودشان باز می‌گردد، زمین آباد می‌شود، از دشمنان انتقام گرفته می‌شود و کار دنیا و دین مستقیم می‌گردد (حرّ عاملی، بی تا، ج ۱۱، ص ۶، ص ۳۹۵).

با توجه به این روایت و روایات مشابه، اولین و مهم‌ترین اثر اتحاد امت‌ها امنیت است؛ زیرا امنیت و آسایش اولین شرط زندگی سالم است.

از سویی دیگر، میان اتحاد و اعتماد اجتماعی رابطه متقابل حاکم است؛ اعتماد اجتماعی که جزء اساسی سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود، در سایه وحدت و انسجام اجتماعی تقویت می‌گردد و وحدت نیز جز با اعتماد مردم جامعه به یکدیگر شکل نمی‌گیرد. در واقع، عنصر مهم ایجاد وحدت، انسجام و همبستگی در میان اعضای جامعه، وجود اعتماد اجتماعی در تمامی ابعاد آن است. اعتماد، سبب ایجاد انس و الفت و نزدیکی افراد جامعه به یکدیگر و در نهایت شکل‌گیری اتحاد ملی می‌گردد و اعتماد و اتحاد سبب افزایش سرمایه اجتماعی در جامعه می‌شود. نقطه تلاقی دیگر میان اتحاد و نظارت همگانی، افزایش روابط میان اعضای جامعه می‌باشد. مردم یک جامعه زمانی می‌توانند با یکدیگر متحد و هم‌نوا گردند که در سایه ارزش‌های مشترک

- که مهم‌ترین آنها ارزش‌های مشترک دینی و ایمانی است- روابطی نزدیک همراه با حسن اعتماد داشته باشند. در این صورت به امتی واحد و یکپارچه تبدیل می‌گردند و نظارت همگانی در این جامعه، عامل بقای این وحدت و انسجام خواهد بود.

نکته مهمی که نباید از نظر دور داشت آنکه، امر به معروف و نهی از منکر، اگر ناسنجیده و بدون توجه به شرایط و اصول آن انجام شود، می‌تواند زمینه‌ساز نوعی تعرض به امور دیگران و اختلاف محسوب شود، از این رو خداوند پس از طرح آن از تفرقه و اختلاف نهی فرموده است. این امر وقتی ضمانت اجرا می‌یابد که امر به معروف بر تنفیذ این تکلیف بر ظالمان قادر باشد و این حاصل نمی‌شود، مگر با حصول الفت و محبت و دوری از اختلاف و تفرقه میان اهل حق و دین (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱۵، ص ۲۹۹).

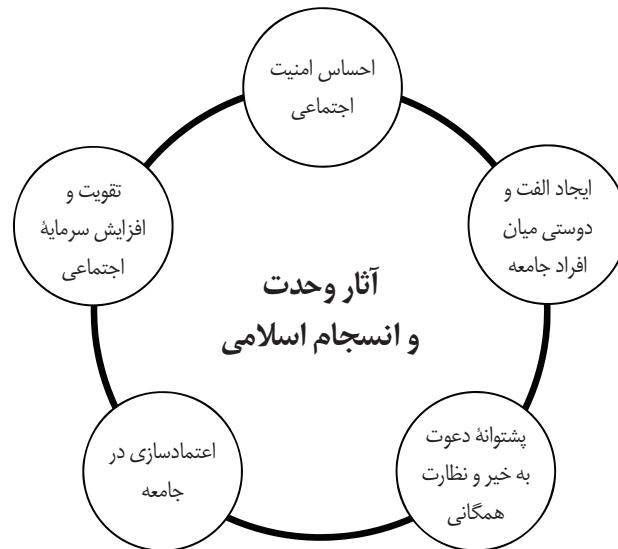
با توجه به مطالب مطرح شده، می‌توان گفت که به وسیله ترویج و اشاعه صحیح فریضه بزرگ و مهم امر به معروف و نهی از منکر، همه امور جامعه اصلاح گشته و اتحاد و همبستگی معنوی و ملی، وسعت می‌یابد. از آنجایی که ارزش‌های دینی، بدون فرهنگ‌سازی امکان‌پذیر نیست، مهم‌ترین کاری که این گروه خاص که در آیه بدان اشاره شده، مأمور بدان شده‌اند، فرهنگ‌سازی وحدت اسلامی، از طریق دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد چراکه یکی از آسیب‌های وحدت و انسجام اسلامی، پشت کردن مردم به فرهنگ وحدت است که قدرت امت اسلامی را در برابر بیگانگان سست می‌کند.

از همین رو و به سبب انجام درست امر به معروف و نهی از منکر، جامعه اسلامی، می‌تواند بهترین جامعه و الگوی همگان قرار گیرد، چنانچه می‌فرماید:

«كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ؛ (آل عمران) شما بهترین امتی بودید که به سوی مردم مبعوث شدید، چه اینکه امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید...».

بی‌شک، بهترین امت بودن در صورت اتحاد و انسجام ملی محقق می‌گردد و جامعه متفرق و مختلف نمی‌تواند بهترین و مقتدرترین و با اخلاق‌ترین جوامع باشد چراکه در صورت تفرقه و پراکندگی و ترک فریضه امر به معروف و نهی از منکر، جریان امور از دست نیکان خارج و بدان و ستمگران میدان اجتماع را تسخیر و بر جامعه اسلامی مسلط گشته و قدرت می‌یابند (بر طبق روایتی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، ر.ک: صدوق، ۱۳۷۶، ص ۳۰۸).

پس آنچه که ملتی را بر ملت‌های دیگر و جامعه‌ای را بر جوامع دیگر ممتاز می‌کند و موجب برتری آن بر دیگر ملل می‌شود، اتحاد و انسجام، وحدت و همبستگی است که با وجود فریضه امر به معروف و نهی از منکر امکان تحقق آن بیش از پیش فراهم می‌گردد.



الگوی شماره ۴: آثار وحدت و انسجام اسلامی

نتیجه‌گیری

سه اصل یاد شده در راستای ایجاد پیوندهای ذهنی و عینی میان افراد، با برادر خواندن مؤمنان نسبت به هم، حق ولایت داشتن بر یکدیگر و تشویق و ترغیب به اتحاد و انسجام، سرمایه اجتماعی غنی در جامعه دینی بر مبنای اعتماد متقابل ایجاد می‌نماید.

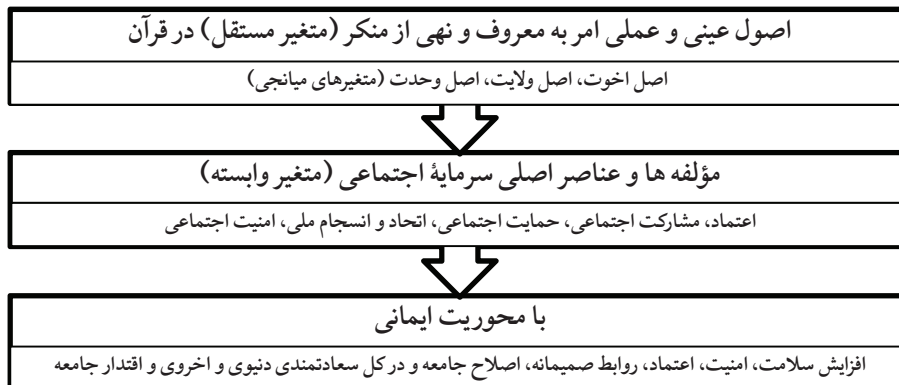
جامعه‌ای را که بر مبنای سه اصل مذکور، همراه با حاکمیت الهی و مشارکت عمومی مردم در شبکه‌ها و نهادهای مختلف بنا شود، می‌توان جامعه‌ای برخوردار از سلامت اجتماعی بالا دانست که هر یک از اعضای خود را از اجتماعی که در آن زندگی می‌کند جدا ندانسته و حس ولایتی که بر سایر اعضای اجتماع دارد، او را نسبت به سرنوشت و اعمال سایر افراد جامعه مسئول دانسته و از بی‌تفاوتی و بی‌توجهی دور می‌دارد؛ در ارتباطی برادرانه تک‌تک اعضای جامعه، دست دوستی به یکدیگر داده و در قالب نهادهایی اجرایی با مشارکت فعال مردم به وظیفه خطیر امر به معروف و نهی از منکر پرداخته و جامعه‌ای الگو و نمونه تشکیل می‌دهند.

بر این اساس، شاخصه‌های مهم سرمایه اجتماعی از قبیل اعتماد، حمایت‌ها و مشارکت‌های اجتماعی و... در آیات بررسی شده جلوه‌ای ویژه داشته و بیانگر آن است که نظارت همگانی حوزه‌ای فعال و زاینده در ایجاد این شاخصه‌ها و در نهایت تقویت سرمایه اجتماعی خواهد بود. مفهوم اعتماد نیز، به‌عنوان مهم‌ترین عنصر سرمایه اجتماعی، با تمامی ابعاد و مصادیقش در حوزه

مذکور، بیش از حوزه‌های دیگر تجلی و ظهور داشته و امر به معروف و نهی از منکر تأثیر بسزایی در بالندگی و تقویت آن داشته است. از سویی دیگر، مهم‌ترین کارکرد و هدف سرمایه اجتماعی که ایجاد همبستگی و اتحاد و انسجام ملی است، از طریق تقویت و توسعه این حوزه در اجتماع دینی میسر می‌گردد چراکه امر به معروف و نهی از منکر بستر بسیار مناسبی را در جهت تقویت و افزایش همبستگی و اتحاد ملی ایجاد می‌نماید.

نکته آخر آنکه، پایبند نبودن یا بی‌توجهی به هریک از این اصول، می‌تواند مانع بزرگی در اجرای صحیح این فریضه الهی محسوب گردد.

الگوی زیر، نشان‌دهنده نقش و تأثیر این فریضه در تقویت سرمایه اجتماعی می‌باشد:



الگوی شماره ۵: نقش و تأثیر فریضه امر به معروف و نهی از منکر در تقویت سرمایه اجتماعی

منابع

۱. ابن فارس، احمد (۱۳۹۸ق)، معجم مقاییس اللغة، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، قم: دارالکتب العلمیه.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۳. ابوالحسنی، سیدرحیم (۱۳۸۹)، «پاییز سرمایه اجتماعی و نظارت همگانی»، مجموعه مقالات همایش ملی نظارت همگانی و راهبردها.
۴. ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۳)، توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران، تهران: نشر نی.
۵. ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (بهار و تابستان ۱۳۸۰)، «بررسی رابطه اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی کاشان»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۸، ص ۳-۳۱.
۶. اعتصامی، منصور و حامد فاضلی کبریا (پاییز و زمستان ۱۳۸۹)، «درآمدی بر الگوی مدیریت امام علی (علیه السلام) با نگاهی بر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی»، اندیشه مدیریت راهبردی، سال ۲، شماره ۶، ص ۲۳-۲۶.
۷. اکبری، امین (۱۳۸۳)، نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت: بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی-اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
۸. الوانی، سیدمهدی و میرعلی سیدنقوی (بهار و تابستان ۱۳۸۱)، «سرمایه اجتماعی: مفاهیم و نظریه‌ها»، فصلنامه مطالعات مدیریت، سال ۹، شماره ۳۳-۳۴، ص ۱۵ و ۳-۲۶.
۹. الویری، محسن (تابستان و پاییز ۱۳۸۳)، «سرمایه اجتماعی و سند چشم‌انداز»، فصلنامه آموزشی، پژوهشی، ارتباطی پیام صادق (علیه السلام)، سال ۳، شماره ۱۱، ص ۲۰-۲۵.
۱۰. ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۶۰)، ساختمان معنایی مفاهیم اخلاقی-دینی در قرآن، ترجمه فریدون بدره‌ای، [بی‌جا]: انتشارات قلم.
۱۱. پیراهری، نیر (پاییز ۱۳۸۸) «سرمایه اجتماعی در نظریات جدید»، پژوهشنامه علوم اجتماعی، سال سوم، شماره سوم، ص ۱۰۹-۱۳۱.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶، ۱۳۸۸، ۱۳۹۳)، تسنیم، قم: مرکز نشر اسراء.
۱۳. چلبی، مسعود و محمد مبارکی (تابستان ۱۳۸۴)، «تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم در سطوح خرد و کلان»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۲، ص ۳-۴۴.

۱۴. حر عاملی، محمد بن حسن، [بی تا]، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل الشریعه، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البت (علیه السلام) لإحياء التراث.
۱۵. خمینی، سیدروح‌الله، [بی تا]، تحریر الوسیله، قم: دارالعلم.
۱۶. دینی ترکمانی، علی (زمستان ۱۳۸۵)، «تبیین افول سرمایه اجتماعی»، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۳، ص ۱۴۷-۱۷۱.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دارالعلم.
۱۸. رحمانی، محمود و اسماعیل کاوسی (۱۳۸۷)، اندازه‌گیری و مقایسه سرمایه اجتماعی در بخش‌های دولتی و خصوصی، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۹. سبحانی، جعفر (۱۳۸۶)، نظام اخلاقی اسلام، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۲۰. سبحانی نژاد، مهدی و هاشم فردانش (بهار ۱۳۷۹)، «مسئولیت‌پذیری اجتماعی در برنامه درسی کنونی مدارس ابتدایی ایران»، مدرس علوم انسانی، دوره چهارم، شماره ۱، ص ۸۳-۹۴.
۲۱. سروش، مریم (تابستان ۱۳۹۱)، «احساس مسئولیت فردی و اجتماعی، دیگرخواهی و اعتماد اجتماعی مطالعه نوجوانان شیراز»، نشریه جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و سوم، شماره دوم، ص ۱۹۴-۲۱۱.
۲۲. سعادت، رحمان (زمستان ۱۳۸۶)، «تخمین سطح و توزیع سرمایه اجتماعی استان‌ها»، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۳، ص ۱۷۳-۱۹۵.
۲۳. صالحی امیری، سیدرضا و اسماعیل کاوسی (۱۳۸۷)، سرمایه اجتماعی، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۲۴. صدر، سیدمحمد (۱۴۲۰ق)، ماوراء الفقه، بیروت: دارالأضواء للطباعة و النشر و التوزیع.
۲۵. صدوق، ابن بابویه محمد بن علی (۱۳۷۶)، آمالی، تهران: کتابچی.
۲۶. طالقانی، سیدمحمد (۱۳۶۲)، پرتوی از قرآن، چاپ چهارم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۷. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۶ق)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفه.
۲۸. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
۲۹. کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ اول، تهران: انتشارات نی.
۳۰. فاضلی کبریا، حامد (۱۳۹۱)، سرمایه اجتماعی در نهج البلاغه، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
۳۱. فضل‌الله، سیدمحمد حسین (۱۴۱۹)، من وحی القرآن، بیروت: دارالملاک للطباعة و النشر.

۳۲. فقهی فرهمند، ناصر و سعید زنجانی (بهار ۱۳۹۲)، «ارتباط بین امنیت اجتماعی با مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی»، فصلنامه دانش انتظامی آذربایجان شرقی، شماره اول، ص ۴۵-۶۹.

۳۳. قانلی، غلامحسین و حمید یعقوبی (تابستان ۱۳۸۷)، «بررسی رابطه بین ابعاد حمایت اجتماعی ادراک شده و ابعاد بهزیستی در دانشجویان دختر و پسر»، نشریه ارمان دانش، دوره ۱۳، شماره ۲، ص ۶۹-۸۱.

۳۴. قرائتی، محسن (۱۳۷۷)، تفسیر نور، چاپ دوم، قم: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

۳۵. قرشی، سیدعلی اکبر (۱۳۷۸)، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الإسلامية.

۳۶. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴)، الجامع لأحكام القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.

۳۷. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۰)، آذرخشی دیگر از آسمان کربلا، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

۳۸. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، چاپ ۲۶، تهران: دارالکتب الإسلامية.

۳۹. موسوی، میرطاهر (زمستان ۱۳۸۶)، «مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی»، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۳، ص ۶۷-۹۲.

۴۰. نادری، سیدمجید و دیگران (۱۳۸۷)، «سنجش چارچوب ارزیابی سرمایه اجتماعی در ساختار شهری با تأکید بر نقش فضاهاى عمومی»، فصلنامه پژوهش مدیریت شهری، شماره ۱.

41. Coleman, James S. (1990), Foundations of Social Theory, Cambridge, Harvard University Press.

42. Nahapiet & Ghoshal 1998 Social Capital, Intellectual Capital, and the Organizational Advantage Academy of Management Review Vol. 23, No. 2 (Apr., 1998), pp. 242-266.

43. Putnam, Robert D. (1988), Bowling Alone: The collapse and Revival of American Community; New York, Apr 1988.